

# بخش اول

## گروه اسمی

### درسنامه

هر گروهی که بتواند در نقش نهاد، مفعول، مسند، متمم، منادا ... ظاهر شود، گروه اسمی است. گروه اسمی از یک هسته (عضو اجباری) و یک یا چند وابسته (عضو اختیاری) به وجود می‌آید.

### تشخیص هسته گروه اسمی

در یک گروه اسمی، اولین واژه‌ای که بعد از آن واژه، کسره اضافه یا کسره صفت بیاید، هسته نام دارد.

#### نمونه

دانش آموز خوب کلاس ← دانش آموز: هسته

● مطابق با کتاب درسی، «ی» نکره، نشانه‌های جمع، «تر» و «ترین» جزء اصلی ساختمان واژه‌اند و در تعیین هسته باید به حساب آیند.

● نمونه مردان بی‌ادعا ← مردان: هسته / گلی زیبا ← گلی: هسته

### ● وابسته‌های گروه اسمی عبارتند از:

### وابسته‌های پیشین

① صفت اشاره: واژه‌های «این و آن، همین و همان، چنین و چنان، این چنین و آن چنان، این طور و آن طور، این گونه و آن گونه، این قدر و آن قدر، این همه و آن همه و ...» اگر پیش از اسم (و جانشینان اسم) ذکر شوند، صفت اشاره و در غیر این صورت ضمیر اشاره‌اند.

#### نمونه

همین کتاب را خواندم. (همین: صفت اشاره) / همین را خواندم. (همین: ضمیر اشاره، هسته، مفعول)  
هسته، مفعول

② **صفت پرسشی:** واژه‌های پرسشی «چه، چگونه، کدام، چه نوع، چه جور، چند، چندمین، چه اندازه، چه قدر و ...» اگر پیش از اسم ذکر شوند، صفت پرسشی و در غیر این صورت ضمیر پرسشی‌اند.

#### نمونه

کدام لباس انتخاب شد؟ (کدام: صفت پرسشی) / کدام، انتخاب شد؟ (کدام: ضمیر پرسشی، هسته، نهاد)  
هسته، نهاد

③ **صفت تعجبی:** واژه‌های تعجب «چه، عجب، چه قدر» اگر پیش از اسم بیایند، صفت تعجبی و در غیر این صورت ضمیر تعجبی‌اند.

#### نمونه

چه قدر می‌نویسد!

ضمیر تعجبی

چه قدر تماشاگر این جاست!

صفت تعجبی

④ **صفت مبهم:** واژه‌های مبهم «همه، هیچ، همه‌گونه، همه‌جور، همه نوع، فلان، بهمان، برخی، بعضی، بسی، کمی، قدری، مقداری، اندکی، بسیاری، گروهی، پاره‌ای، تعدادی و ...» اگر با اسم همراه شوند، صفت مبهم و در غیر این صورت اسم مبهم‌اند.

**نمونه**

برخی مردم از این واقعه پند می‌گیرند. برخی از این واقعه پند می‌گیرند.

صفت مبهم

اسم مبهم

⑤ **صفت شمارشی اصلی:** اعداد اصلی (از یک تا بی‌نهایت) مثل «یک، دو، سه، چهار، پنج، پنجاه، صد، پانصد، هزار و پانصد و بیست، صدهزار، هزاران هزار، دو سه، بیست سی، ده بیست و ...» اگر پیش از اسم بیایند، صفت شمارشی اصلی و در غیر این صورت اسم‌اند.

**نمونه**

این خانواده چهار فرزند دارد. چهار، عدد زوج است.

صفت شمارشی

اسم شمارشی

⑥ **صفت شمارشی ترتیبی** نوع «۱» (با پسوند «-مین»): واژه‌هایی مثل «یکمین، دومین، صدمین، ...» وقتی قبل از اسم ذکر گردند، صفت شمارشی ترتیبی‌اند.

**نمونه**

دومین لباس را هم پوشیدم.

صفت شمارشی ترتیبی

⑦ **صفت عالی (برترین):** واژه‌هایی مثل «بزرگ‌ترین، بهترین، خوب‌ترین، با استعدادترین، زرنگ‌ترین، عجیب‌ترین، ...» اگر پیش از اسم بیایند، صفت عالی‌اند.

**نمونه**

بزرگ‌ترین دانشمند ایرانی، در این قرن می‌زیست.

صفت عالی

⑧ **شاخص:** لقب‌ها و عنوان‌هایی هستند که بدون هیچ نشانه یا نقش‌نمایی در کنار اسم قرار می‌گیرند؛ مثل «آقا، خانم، استاد، مهندس، دکتر، حاج‌آقا، حاج‌خانم، علامه، سید، امام، سلطان، خان، شاه، ملکه، دایی، خاله، عمو، پسرعمو، پسرخاله، سرهنگ، تیمسار، سرلشکر، مشهدی، کربلایی، خواجه، میرزا، ملّا، کدخدا، بی‌بی، ننه، بابا، بازرس، قاضی، شهید، امیر، شیخ، برادر، خواهر، ...»

**نمونه**

سرلشکر حسینی وارد شدند.

شاخص

**وابسته‌هاک پسین**

① مضاف‌الیه: کتاب علی

② صفت شمارشی ترتیبی نوع «۲» (با پسوند «-م»): کتاب دوم

③ صفت بیانی که عبارت است از:

**الف** صفت فاعلی

(مشهورترین ساختها)

- ۱- بن مضارع + نده: رونده، دونده، خورنده، گوینده
- ۲- بن مضارع + ا: پویا، جویا، گویا، زیبا، زایا
- واژه‌های «سزا، چِرا، گنجا (گنجایش)» با این که با همین فرمول ساخته شده‌اند، اسم‌اند نه صفت.
- ۳- بن مضارع + ان: خندان، روان (رونده)، گریان، غُرآن
- «ان» در واژه‌هایی مثل: کوهان (شبهات و همانندی)، دیلمان و گیلان (مکان)، گیاهان (جمع)، بامدادان (زمان)، شادان (قید و حالت)، ... با «ان» فاعلی اشتباه گرفته نشود.
- ۴- بن مضارع / بن ماضی + گار: آموزگار، پرهیزگار، آفریدگار، پروردگار

**ب** صفت نسبی

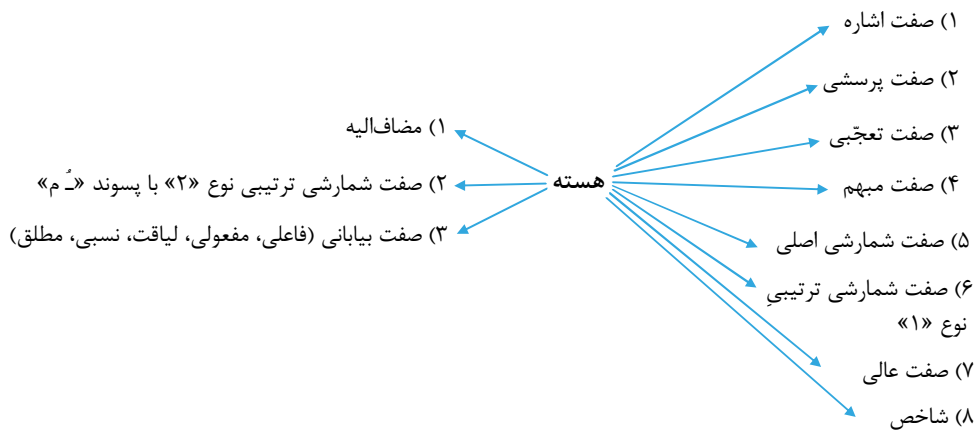
(مشهورترین ساختها)

- ۱- اسم + ی: آسمانی، اصلی، فرعی، قبلی، هفتگی
- ۲- اسم + ین: زرّین، سیمین، چوبین، پشمین
- ۳- اسم + ینه: زرّینه، سیمینه، چوبینه، پشمینه
- ۴- اسم + انی: روحانی، ظلمانی، جسمانی، نورانی، طولانی
- ۵- اسم + انه: درویشانه، دخترانه، پسرانه، مردانه
- ۶- اسم + ه/ه: بهاره، پاییزه، تابستانه

**پ** صفت مفعولی: بن ماضی + ه/ه: بُرده، خورده، خوانده، گفته**ت** لیاقت: مصدر + «ی» لیاقت: خوردنی، گفتنی، شنیدنی، خواندنی**ث** مطلق (ساده): زشت، سفید، خوب، خوش برخورد، خوش قدم، بلند قد، سیاه‌پوست (این صفت‌ها بدون مفهوم فاعلیت،

نسبیت، مفعولیت و لیاقت، موصوف خود را وصف می‌کنند.)

## تصویر زیر را به خاطر بسپارید:

**وابسته وابسته**

آموختیم که گروه اسمی از هسته (عضو اجباری) و وابسته (عضو اختیاری) تشکیل می‌شود. بعضی از وابسته‌ها نیز در صورت لزوم می‌توانند وابسته‌ای داشته باشند که به آن وابسته وابسته می‌گویند. برخی از وابسته‌های وابسته عبارتند از:

① **ممیز:** اسمی است که برای شمارش تعداد، اندازه یا وزن موصوف میان عدد و معدود (صفت شمارشی و موصوف) ذکر می‌شود.

نمونه همراه با نمودار پیکانی: دو جلد کتاب ممیزها عبارتند از:

«تُن، کیلو، گرم، من، سیر، و ...»: برای وزن

«فرسخ، کیلومتر، متر، سانتی‌متر، میلی‌متر، ...»: برای طول

«دست» برای تعداد معینی از: لباس دوخته، میز و صندلی، ظرف  
 «توپ و طاقه»: برای پارچه  
 «تخته»: برای فرش  
 «دستگاه»: برای وسایل و لوازم الکتریکی و همانند آن‌ها  
 «تا»: برای بسیاری از اشیا

**نکته** ممیزها گاهی به جای عدد با صفت‌های مبهم «هر، چند، چندین» همراه می‌شوند.

**نمونه** چند جلد کتاب، هر نخ سیگار

**نکته** ممیزها اگر کسره بگیرند، دیگر ممیز نیستند.

**نمونه** جلد کتاب ← جلد: هسته / کتاب: مضاف‌الیه

گاهی بعضی از واژه‌ها که اصالتاً ممیز نیستند، در نقش ممیز ظاهر می‌شوند؛ مثل «کاروان، ریسمان، اتاق، ...» در گروه‌های

اسمی: صد کاروان شتر، یک ریسمان رخت و لباس، یک اتاق کتاب

② **صفت صفت:** (اسم + صفت + صفت) صفتی است که صفت پیش از خود را توضیح می‌دهد.

**نمونه** لباس آبی آسمانی (آسمانی: صفت صفت)

نمودار پیکانی: لباس آبی آسمانی

**نکته** گاهی صفت صفت مخصوص غیررنگ‌ها است،

**نمونه** لباس پوستین گوسفندی

② **مضاف‌الیه مضاف‌الیه:** (اسم + اسم + اسم) گاهی مضاف‌الیه خود مضاف‌الیه می‌گیرد.

**نمونه** کتاب دانش‌آموز کلاس هسته مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه

منظور از اسم، خود اسم یا هر چیزی که در حکم اسم است، مثل ضمیر و صفت جانشین اسم.

**نمونه** تبلیغ صدای خواننده (= جانشین اسم؛ یعنی: شخص خواننده)

**نکته** گاهی اسمی که بعد از مضاف‌الیه می‌آید، ربطی به مضاف‌الیه ندارد بلکه به هسته بر می‌گردد؛ یعنی وابسته است نه وابسته وابسته.

**نمونه**

بیمارستان قلب رجایی ← بیمارستان: هسته / قلب: مضاف‌الیه / رجایی: مضاف‌الیه

در مثال بالا، «رجایی» به «بیمارستان» بر می‌گردد (بیمارستان رجایی نه قلب رجایی!).

④ **صفت مضاف‌الیه:** (اسم + اسم + صفت / اسم + صفت پیشین + اسم) گاهی مضاف‌الیه به کمک صفتی توضیح داده می‌شود. این صفت می‌تواند پیشین یا پسین باشد.

**نمونه** کتاب این معلّم کتاب: هسته / معلّم: مضاف‌الیه / این: صفت مضاف‌الیه

کتاب معلّم خوب ← کتاب: هسته / معلّم: مضاف‌الیه / خوب: صفت مضاف‌الیه





**نکته** گاهی مضاف‌الیه، یک صفت پیشین و یک صفت پسین می‌گیرد که در این صورت، دو مورد صفت مضاف‌الیه داریم.

**نمونه**

کتاب این دانش آموز خوب

صفت مضاف‌الیه    صفت مضاف‌الیه

**روش اول:** کتاب این دانش آموز خوب

**روش دوم:** کتاب این دانش آموز خوب

**نکته** صفتی که بعد از مضاف‌الیه می‌آید، ممکن است ربطی به مضاف‌الیه نداشته باشد و به هسته برگردد که در این صورت دیگر صفت مضاف‌الیه نیست.

**نمونه** دوربین فیلم‌برداری نو ← دوربین: هسته / فیلم‌برداری: مضاف‌الیه / نو: صفت (صفت مضاف‌الیه نیست).

نمونه‌های دیگر: جام شراب خالی، لباس کار بلند، ظرف مس بزرگ، بیمارستان قلب مجهز<sup>۱</sup>

⑤ **قید صفت:** دربارهٔ اندازه و درجهٔ صفت همراه خود توضیح می‌دهد.

**نمونه** دوست بسیار مهربان    نمودار پیکانی: دوست بسیار مهربان

هسته قید صفت صفت

**نکته** گروه‌های دو کلمه‌ای، وابسته و وابسته ندارند؛ یعنی حضور حداقل سه کلمه در یک گروه، الزامی است تا وابسته وابسته داشته باشیم. (هر چند ممکن است که گروه‌های سه کلمه‌ای هم وابسته و وابسته نداشته باشند!)

**نمونه** کتاب خوب ← گروه دو کلمه‌ای، وابسته و وابسته نداریم.

کتاب مرد نویسنده ← گروه سه کلمه‌ای، «نویسنده» وابسته و وابسته است.

کتاب خوب نویسنده ← گروه سه کلمه‌ای است، اما وابسته و وابسته ندارد! (خوب و نویسنده: وابسته)

**ترکیب وصفی و ترکیب اضافی**

هر وقت کسرهٔ اضافه و کسرهٔ صفت بین دو واژه قرار گیرد، به ترتیب ترکیب اضافی و ترکیب وصفی به وجود می‌آید.

**روش تشخیص**

**روش اول:** آن دسته از ترکیبات وصفی که دارای صفت بیانی‌اند (فاعلی، مفعولی، لیاقت، نسبی و مطلق)، می‌توانیم «ی» نکره را به جزء اول ترکیب اضافه کنیم.

**نمونه** ذات الهی ← ذاتی الهی / مرد دست از جان شسته ← مردی دست از جان شسته / صدای لطیف ←

صدایی لطیف / روح آسمانی ← روحی آسمانی / شاخهٔ فرعی ← شاخه‌ای فرعی / نمونه‌ای اصلی ← نمونه‌ای اصلی /

خواستهٔ معنوی ← خواسته‌ای معنوی (همهٔ این ترکیبات، وصفی‌اند)

- ترکیبات زیر همگی اضافی‌اند:

فصل گرما ← فصلی گرما (نادرست) / روشنای افلاک ← روشنایی افلاک (نادرست) / سطح پهنای ← سطحی پهنای

(نادرست) / ذوق خواننده ← ذوقی خواننده (نادرست)

**روش دوم:** ترکیبات وصفی که دارای صفت بیانی نیستند، نمی‌توان با روش فوق آن‌ها را تشخیص داد. بلکه هر ترکیبی که دارای یکی

از صفت‌های هفت‌گانهٔ «اشاره، پرسشی، تعجبی، مبهم، شمارشی اصلی، شمارشی ترتیبی و عالی» باشد، وصفی است.

**نمونه** هر کتاب، کدام کتاب، چه کتابی، این کتاب، کتاب دوم، بهترین کتاب ← ترکیب وصفی

### حرف آخر / بر پایه فرمول و تصویر

### فرمول سرعت عمل در تشخیص ترکیبات وصفی و اضافی

**قدم اول:** کلمات هر گروه را جدا جدا می‌شماریم. به تعداد کلمات هر گروه منهای «یک»، ترکیب وصفی و اضافی داریم.

تعداد ترکیب = ۱ - تعداد کلمات هر گروه

منظور از گروه، نقش‌ها هستند. نقش‌هایی مثل «نهادی، مفعولی، مسندی، منادایی، متممی، قیدی، ...». و منظور از کلمه، همهٔ واژه‌ها هستند به جز نقش نماها، یعنی کسرهٔ اضافه، کسرهٔ صفت، نقش نمای ندا، حرف پیوند، رای مفعولی، ... در این جا به حساب نمی‌آیند.

#### نمونه

دانش آموز خوب مدرسه، کتاب ادبیات را آورد.

گروه اول      گروه دوم

در گروه اول (نهاد): سه کلمه وجود دارد که منهای یک می‌شود: ۲ ترکیب

در گروه دوم (مفعول): دو کلمه وجود دارد که منهای یک می‌شود: ۱ ترکیب

در جملهٔ فوق مجموعاً ۳ ترکیب به کار رفته است.

**نمونه ۲ دیگر:** این دو دانش آموز خوب مدرسهٔ تیزهوشان منطقه پنج تهران، آمدند.

گروه نهادی

۸ ترکیب = ۹ - ۱ کلمه

#### قدم اول:

**قدم دوم:** چنان چه در قدم اول به نتیجه نرسیدیم، صفت‌ها را می‌شماریم. به تعداد صفت‌ها در گروه‌ها (حتی صفت محذوف) ترکیب وصفی داریم.

**نمونه** این دو دانش آموز خوب من ← قدم اول: ۵ کلمه داریم که منهای «۱» می‌شود: ۴ ترکیب.

قدم دوم: از این ۴ ترکیب، ۳ ترکیب وصفی و ۱ ترکیب اضافی است. چون سه صفت داریم: این، دو، خوب

#### نمونه ۳ دیگر:

این دانش آموز و معلم ← در حقیقت: این دانش آموز و این معلم (۲ ترکیب وصفی)

**نست** در عبارت زیر به ترتیب چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

«چون یاران مولانا، به آزار شمس برخاستند، شمس به آن شهر پُرغوغا باز نیامد. آزار مخالفان سبب شد که او در طلبِ یارِ همدل خود، عازم دمشق شود.»

(۱) سه - شش      (۲) دو - هفت      (۳) چهار - چهار      (۴) سه - چهار

**پاسخ** گزینه ۱، به شیوهٔ زیر عمل می‌کنیم:

چون یاران مولانا، به آزار شمس برخاستند، شمس به آن شهر پُرغوغا باز نیامد. آزار مخالفان سبب شد که او در طلبِ یارِ همدل خود، خود، عازم دمشق شود.

گروه نهادی      گروه متممی      گروه متممی      گروه نهادی      گروه متممی      گروه متممی

عازم دمشق شود.

گروه مسندی

## روش انجام شده:

**قدم اول:** زیر هر گروهی (نقشی) را خط کشیدیم، تعداد کلمات آن را منهای عدد «۱» کردیم و بالای آن نوشتیم. جمع اعداد مساوی است با جمع ترکیبات وصفی و اضافی؛ همان طور که می‌بینید، جمع اعداد عبارت فوق «۹» است.

**قدم دوم:** گزینه «۱» و «۲» هم جمع اعدادشان «۹» تاست. حالا مجبوریم قدم دوم یعنی شمارش تعداد صفت‌ها را انجام دهیم تا به پاسخ قطعی برسیم. آموختیم که به تعداد صفت‌های گروه‌ها، ترکیب وصفی داریم. در عبارت فوق «سه» صفت وجود دارد (آن، پُرغوغا، همدل) که مساوی است با سه ترکیب وصفی.

**تست** در عبارت «صبح بود و پرتو آفتاب بر امواج دریا می‌درخشید. یک قایق زیبا جریان آب را شکافته و پیش می‌رفت.» به ترتیب چند ترکیب وصفی و اضافی وجود دارد؟

(۱) سه - سه (۲) دو - دو (۳) سه - دو (۴) دو - سه

**پاسخ** گزینه ۴، به شیوه زیر عمل می‌کنیم:

صبح بود و پرتو آفتاب بر امواج دریا می‌درخشید. یک قایق زیبا، جریان آب را شکافته و پیش می‌رفت.  
گروه نهادی گروه متممی گروه نهادی گروه مفعولی

**قدم اول:** جمع اعداد = ۵ (پنج ترکیب وصفی و اضافی) تا این‌جا گزینه «۳» یا «۴»!

**قدم دوم:** تعداد صفت‌های گروه‌ها = دو صفت (یک، زیبا)

واژه «یک»، صفت شمارشی و «زیبا» صفت بیانی فاعلی است و می‌توان گفت: «قایقی زیبا» ← با قدم دوم مطمئن شدیم که پاسخ گزینه «۴» است.

## شمارش وابسته‌ها مطابق با فرمول و تصویر ذهنی

هر وقت طراحان، تعداد کل وابسته‌ها را از شما خواستند، مطابق با همان فرمول شمارش ترکیب وصفی و اضافی عمل کنید:

جمع وابسته‌ها = ۱ - تعداد کلمات هر گروه

منظور از کلمه در این فرمول، همه واژه‌ها هستند به جز نقش‌نماها. بنابراین، نقش‌نمایی مثل «حرف اضافه، حرف ربط،

کسره اضافه، کسره صفت، رای مفعولی، «و» عطف، نقش‌نمای ندا» شمارش نمی‌شوند.

منظور از گروه در این فرمول، نقش‌ها هستند. هر یک از نقش‌های «نهاد، مفعولی، مسندی، متممی و ...» یک گروه به

حساب می‌آیند و جدا جدا بررسی می‌شوند.

## شکل اول

**تست** در عبارت زیر، چند وابسته گروه اسمی به کار رفته است؟

«این چند دانش‌آموزان خوب مدرسه، کتاب علوم خود را به مدیر مدرسه، تحویل دادند.»

(۱) ۶ (۲) ۷ (۳) ۸ (۴) ۹

**پاسخ** گزینه ۲ مطابق با فرمول:

این چند دانش‌آموزان خوب مدرسه، کتاب علوم خود را به مدیر مدرسه، تحویل دادند.  
گروه نهادی گروه مفعولی گروه متممی

وابسته‌ها عبارتند از: این، چند، خوب، مدرسه، علوم، خود، مدرسه

واژه‌های «دانش‌آموزان، کتاب و مدیر» هسته گروه‌ها هستند.

**نکته مهم** وقتی که طرّاحان، تعداد وابسته‌ها را از ما خواستند، همهٔ وابسته‌ها (غیر از هسته) شمرده می‌شوند. فرق نمی‌کند، وابسته باشد یا وابستهٔ وابسته، ... مثلاً در عبارت فوق، «خود» با این که وابستهٔ وابسته (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) است، جزء وابسته‌ها شمرده شد.

### شکل دوم

گاهی تعداد وابسته‌های پیشین و پسین (به تفکیک) از ما خواسته می‌شود که باز هم از همین فرمول فوق استفاده کرده و در گام دوم، وابسته‌های پیشین را می‌شماریم (چون معمولاً تعداد وابسته‌های پیشین کمتر است).

**تست** در عبارت تست قبلی، به ترتیب چند وابستهٔ پیشین و چند وابستهٔ پسین گروه اسمی به کار رفته است؟

(۱) دو - پنج (۲) سه - پنج (۳) دو - هفت (۴) سه - شش

**پاسخ** گزینه ۱ از ۷ مورد کلّ وابسته‌ها که قبلاً شمردیم، دو وابستهٔ پیشین (این، چند) را از آن کم می‌کنیم. که در نتیجه «۲» وابستهٔ پیشین و «۵» وابستهٔ پسین خواهیم داشت.

### شکل سوم

گاهی تعداد وابسته‌های پیشین یا پسین را از ما می‌خواهند که باز هم از همین فرمول استفاده می‌کنیم؛ یعنی وقتی طبق فرمول به کلّ وابسته‌ها دست یافتیم، در یک نگاه کلی به عبارت تست، تعداد وابسته‌های پیشین را از آن کم می‌کنیم تا به عدد وابسته‌های پیشین و پسین (به تفکیک) برسیم. **تصویر** این فرمول را به خاطر بسپارید.

همهٔ وابسته‌های پیشین می‌توانند گاهی به بعد از هسته انتقال یابند و وابستهٔ یک وابسته شوند که باز هم وابستهٔ پیشین به حساب می‌آیند. نمونه:

این کتاب	دانش‌آموز ← کتاب	این دانش‌آموز
وابستهٔ هسته	هسته	مضاف‌الیه
پیشین	پیشین	

## نکته‌ها...

**نکته ۱** نوع صفت را گاهی در جمله باید تشخیص داد؛ مثلاً صفت «چند» می‌تواند صفت پرسشی یا مبهم باشد. یا صفت «چه» می‌تواند گاهی به عنوان صفت پرسشی و گاهی تعجبی به کار رود.

#### نمونه

چند کتاب را صحافی کردم. مبهم  
چند کتاب را تمام کردی؟ پرسشی

**نکته ۲** واژهٔ «همه» مطابق با کنکور، چه با کسره و چه بدون کسره بیاید، صفت مبهم است؛ فقط کافی است قبل از اسم ذکر گردد.

#### نمونه

همهٔ کارها را انجام دادم. صفت مبهم  
همه جا را جارو کردم. صفت مبهم

**نکته ۳** صفت‌های مبهم «چند، چندان، دیگر» گاهی به عنوان وابسته پیشین و گاهی پسین می‌آیند، یعنی چه قبل از اسم و چه بعد از اسم ذکر شوند، صفت مبهم‌اند.

**نمونه**

چندان فرصتی، فرصت چندان، دیگر کتاب‌ها، کتاب‌های دیگر، چند کتاب، کتابی چند

**نکته ۴** صفت‌های «چندم» و «بعد» در زبان معیار همیشه به صورت وابسته پسین می‌آیند.

**نمونه** کلاس چندم؟ کلاس بعد

**نکته ۵** «هر» در واژه‌های «هر که، هر چه، هر یک، هر یکی، هر کدام» و «هیچ» در واژه‌های «هیچ‌یک، هیچ‌کدام» صفت مبهم نیست، بلکه این واژه‌ها اسم مبهم مرکب‌اند.

**نکته ۶** واژه‌های «یکدیگر، همدیگر، دیگری، همگی، همگان، دیگران» هرگز نمی‌توانند صفت مبهم باشند، بلکه اسم مبهم‌اند.

**نکته ۷** صفت‌های مبهمی که عدد و مقدار را نشان می‌دهند؛ مثل «بعضی، برخی، بسی، بسیاری، اندکی، کمی، تعدادی، گروهی، پاره‌ای، مقداری، قدری، ...» اگر با حرف اضافه «از» ذکر گردند، اسم مبهم‌اند نه صفت مبهم.

**نمونه**

برخی از مردم

برخی مردم

اسم مبهم

صفت مبهم

**نکته ۸** واژه‌هایی مثل «دو سه، ده بیست، هفت هشت، ده دوازده، ...» صفت شمارشی اصلی تقریبی‌اند که حدود و تقریب را بیان می‌کنند و فقط یک وابسته به حساب می‌آیند.

**نمونه**

ده بیست جلد کتاب

صفت تقریبی

**نکته ۹** اعدادی مثل «چهارصد و پنجاه و پنج، نهصد و نود و شش، هزار و هشتصد و بیست و پنج، ...» هر کدام یک صفت شمارشی و یک وابسته به حساب می‌آیند. بقیه صفت‌های غیرساده هم چنین‌اند؛ مثل: این همه آدم (این همه: صفت اشاره مرکب، یک وابسته)<sup>۱</sup>

**نکته ۱۰** واژه‌های «اول و اولین، آخر و آخرین، نخست و نخستین» با این که پسوند «م» یا «مین» را ندارند، صفت شمارشی ترتیبی‌اند.

**نمونه** کتاب اول، اولین کتاب، کتاب آخر، آخرین کتاب، کتاب نخست، نخستین کتاب ← همگی ترکیب وصفی

«آخرین» و «نخستین» گاهی به صورت وابسته پسین ذکر می‌شوند.

**نمونه** دوره نخستین

شمارشی ترتیبی، وابسته پسین

**نکته ۱۱** صفت عالی اگر کسره بگیرد، تبدیل به اسم می‌شود.

**نمونه**

بهترین دانش‌آموز (ترکیب وصفی) بهترین دانش‌آموزان (ترکیب اضافی)

صفت عالی هسته

اسم، هسته مضاف‌الیه

**نکته ۱۲** شاخص‌ها اگر کسره بگیرند، تبدیل به اسم می‌شوند.

۱. مستملی پارسا غلامرضا، احمد سبحانی و حبیب صفزاده، «تحلیل کاربرد و ساختار صفت‌های اشاره، پرسشی و تعجبی در متون فارسی»، مجله متن پژوهی ادبی دانشگاه علامه طباطبائی، زمستان ۱۳۹۶

## نمونه

آقا معلم

شاخص

آقای معلم

اسم، مضاف‌الیه

هسته

**نکته ۱۳** گاهی شاخص‌ها به صورت وابستهٔ پسین می‌آیند.

**نمونه** کریم خان، علی آقا، رضا شاه

**نکته ۱۴** گاهی اسم، بیش از یک شاخص می‌گیرد.

**نمونه** شهید دکتر چمران، استاد دکتر حمیدی، شیخ ملا محمد

موارد فوق را که دو وابستهٔ پیشین و دو شاخص‌اند، با شاخص‌های مرکب مثل «حاج آقا، حاج خانم و ...» اشتباه نگیرید.

شاخص مرکب فقط یک وابسته به حساب می‌آید.

**نکته ۱۵** گاهی مضاف‌الیه در یک ترکیب اضافی، به صورت ضمیر پیوسته می‌آید. و گاهی هم بین مضاف و مضاف‌الیه فاصله می‌افتد.

## نمونه

دوست خوب و عزیز و آسمانی‌ام. ← در حقیقت: دوستم

**نکته ۱۶** صفت جانشین اسم، عملاً اسم به حساب می‌آید و ترکیب اضافی می‌سازد.

## نمونه

زن هنرپیشه: ترکیب وصفی / حرف هنرپیشه: ترکیب اضافی (در حقیقت: حرف زن هنرپیشه)  
صفت جانشین اسم صفت

**نکته ۱۷** «بن‌ماضی + ار» گاهی صفت فاعلی می‌سازد، چون مفهوم فاعلیت دارد؛ مثل «پرستار» (= مواظبت کننده). گاهی مفهوم «شده» از آن حاصل می‌شود که صفت مفعولی است؛ مثل «گرفتار» (گرفته شده، دربند شده) و گاهی اسم است؛ مثل «نوشتار، کردار، گفتار».

**نکته ۱۸** اسم فاعل و اسم مفعول عربی، چنان‌چه وابسته قرار گیرند، صفت بیانی مطلق‌اند.

**نمونه** مرد حاکم، انسان مظلوم